

سوریه/ یک نگاه دیگر

در سوریه چه خبر است؟ مانی ب. نویسنده وبلاگ [«دیوار»](#) چند مطلب درباره وقایع سوریه ترجمه کرده که آن‌ها را در این جا عیناً تکرار می‌کنم:

سوریه/ یک نگاه دیگر

برگردان توسط مانی ب. (این مطلب عیناً از وبلاگ «دیوار» نقل شده است)

آنچه در زیر می‌آید برگردان مصاحبه‌ای است که وبسایت روزنامه «[دی‌ولت](#)» با یورگن تودن هوفر، عضو حزب دمکرات مسیحی و نماینده سابق پارلمان آلمان انجام داده است.

نیروهای خارجی از ناراضیان حمایت می‌کنند

یورگن تودن هوفر نویسنده‌ای است که بارها به سوریه سفر کرده است. او همچنین با یشار اسد ملاقات داشته است، و از نگاه بی‌طرفانه به معضل سوریه جانبداری می‌کند. تودن هوفر شیفته سوریه است. این، از همبستگی عمیق او با این کشور عربی، هنگامی که از مردمان سوریه، از رسوم آن‌ها، از فرهنگ چند هزار ساله و سنت قصه‌گویی (الحکواتی) آن‌ها حرف می‌زند، پیداست.



تودن هوفر سابق بر این نماینده پارلمان آلمان بوده است و زیاد به سوریه می‌رود، گاه چندین بار در سال. ماه گذشته چهار هفته در سوریه بوده است. او در این مدت می‌توانسته است آزادانه هر کجا که می‌خواهد برود. او در دمشق و همین‌طور در حمص، حما و درعا بوده است. شهرهایی که از یک سال پیش محل درگیری‌های خونین بین نیروهای امنیتی رژیم و قیام‌کنندگان بوده است. او از سوی اسد به یک گفتگوی طولانی دعوت شده است. تودن هوفر از رژیم سوریه دفاع نمی‌کند، اما نسبت به «دیوسازی» هشدار می‌دهد. او از آزادی‌خواهی‌ای می‌گوید که در تظاهرات مسالمت‌آمیز جوانان سوری راه خود را باز می‌کند، اما همچنین از عملیات چریکی شورشیان مسلح گزارش می‌دهد که منجر به قربانی شدن غیرنظامیان نیز گشته است. با این همه تودن هوفر می‌گوید: «می‌دانم که من هم خیلی کم می‌دانم» و مذاکره را راه حل معضل سوریه می‌داند.

دی‌ولت: آقای تودن هوفر، شما اخیراً سوریه بوده‌اید. چه کسی شما را دعوت کرده بود و چقدر آزادانه می‌توانستید سفر کنید؟

تودن هوفر: کسی مرا دعوت نکرده بود.

- یعنی شما خیلی ساده مثل یک توریست معمولی به سوریه رفتید؟ آیا این ممکن است؟

- بله ممکن است. من بیشتر از دهسال می‌شود که به سوریه می‌روم. کتابی هم در مورد سوریه و عراق نوشته‌ام که به عربی هم منتشر شده است. این کتاب با قصه‌گوی مسجد اموی دمشق شروع می‌شود. من هر سال به آنجا سفر می‌کنم. سوریه گهواره تمدن ماست و دمشق یکی از زیباترین شهرهای عربی است. سر یحیای تعمیردهنده در دمشق دفن است و در دمشق است که سلاوس (دشمن مسیح) به پولس (از حواریون مسیح) تبدیل شد.

- عربی می‌دانید؟ -

نه.

- چطور با مردم حرف می‌زنید؟

- معمولا یک یا دو مترجم همراه من هستند.

- با وجود هشدارها [هشدارهایی که از سفر به سوریه منع می‌کنند]، با چه انگیزه‌ای این روزها به سوریه سفر می‌کنید؟

- وقتی آدم در طی ده سال مکررا به این کشور رفته باشه، دلیلی ندارد که در این روزها نرود. البته این‌بار مقداری مشکلات پیش آمد. هنگام ورود مأموران امنیتی مرا در فرودگاه نگهداشتند. علیه من یک حکم ممنوعیت ورود به کشور صادر شده بود. بیشتر در روزنامه «دی‌تسایت» مقاله‌ای نوشته بودم که به نظر برخی از مقامات سوری زیادی انتقادی رسیده بود. کمی بیشتر از نوساعت طول کشید تا توانستم وارد کشور شوم. این پیش‌آمد البته به نفع من تمام شد. یک آلمانی سوری تبار که شاهد این صحنه بود، این واقعه را برای بشار اسد تعریف کرده بود، و این باعث شد که اسد مرا به گفتگو دعوت کند.

- اسد وعده داده است در ماه مارس یک همه‌پرسی در باره قانون اساسی جدید برپا کند. چقدر می‌توان این وعده را جدی گرفت؟ آیا هنوز رهبری کشور در دست اسد است؟

- به گمان من او یکی از قدرتمندترین رجال کشور است که در اثر این بحران قدرتمندتر شده است.

- چرا؟

- در بحران با این وضعیت روبرو هستیم که صاحب قدرت می‌تواند مسئولیت‌ها را خود در دست بگیرد یا به دیگران واگذار کند. به نظر من اسد به روشنی سمت‌گیری سیاست را در سوریه تعیین می‌کند. به گمان من ایده تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک که از طریق یک همه‌پرسی به رأی عمومی گذاشته شود ایده خود اوست. دهسال پیش، هنگامی که اسد به قدرت رسید، در مدرن‌سازی سوریه تلاش کرد، و در این راه با معضلات زیادی روبرو شد. هم از داخل و هم از خارج. در غرب مدتی این اتهام به او زده می‌شد که در قتل رفیق حریری نخست‌وزیر لبنان داشته است. امروز ثابت شده است که این‌طور نبود. به هر حال اسد در تلاش برای تغییر مناسبات در کشور آن‌طور که می‌خواست موفق نبود.

- موانع او چه بودند؟

- در کشورهایی مثل مراکش، عربستان یا سوریه نیروهای رشدنیافته قدرتمندی وجود دارند. اسد در کنار مشکل قتل رفیق حریری می‌بایست نیروهای نظامی سوری را از لبنان بازگرداند. این باعث پیدایش موقعیتی در عرصه سیاست داخلی شد که در آن ایجاد رفرم‌های بنیادین علیه نیروهای یادشده دشوار بود. اسد شخصا به من گفت که ایجاد دموکراسی در سوریه را یک ضرورت جبری می‌داند که تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک نقش مهمی در آن بازی می‌کند.

- آیا او از جایگاه برتر حزب بعث چشم خواهد پوشید؟

- او تأکید داشت که همه احزاب مجاز خواهند بود. برگزاری همه‌پرسی در یک نظام «یکه‌سالاری» مانند سوریه یک تصمیم انقلابی است، زیرا اسد به این وسیله تصمیم‌گیری در مورد آینده کشور را به مردم می‌سپارد. مردم می‌توانند قانون اساسی جدید را بپذیرند یا رد کنند. شخصا یک‌سالاران زیادی را نمی‌شناسم که جرأت برپایی یک چنین همه‌پرسی‌ای را به خود بدهند.

- این یعنی شما به خواست تغییر نزد بشار اسد باور دارید؟ و فکر می‌کنید که این یک راه واقع‌گرایانه برای کشور است؟

- هر چه غرب به او بیشتر فشار وارد کند، این امر برای اسد دشوارتر می‌شود. یکی از مارکسیست‌های اپوزیسیون سوریه که تحت حکومت اسد ۱۴ سال در زندان بوده است، به من گفت، تنها کسی که می‌تواند سوریه را از راهی مسالمت‌آمیز به دموکراسی هدایت کند بشار اسد است. از جمله، به این دلیل که اکثریت سوری‌ها هنوز بین بشار اسد و سیستم تفاوت قایل می‌شود.

- پس غرب باید چکار کند؟ از اسد حمایت کند؟ با او مذکره کند؟ رسانه‌ها غرب به خاطر تصاویر خشونت وحشیانه‌ای که از سوریه می‌رسد زیر فشار هستند، و گزارش‌های بی‌طرفانه‌ی کمی موجود است.

- موقیت در سوریه خیلی پیچیده است. تعجب‌آور بود که نه فقط مخالفان اسد بلکه هواداران اسد هم با صدای بلند خواهان دموکراسی هستند. کسی این روزها در سوریه روی اصل لزوم دموکراسی بحثی نمی‌کند. من شاهد تظاهراتی در دمشق بودم که در آن‌ها بین یک تا دو میلیون تظاهرکننده شرکت داشتند. آن‌ها فریاد می‌زدند: «اسد، دموکراسی»، «اسد، آزادی». مخالفان سوری هم البته دموکراسی می‌خواهند، اما بدون اسد. در له و علیه اسد تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز مردمی که خواستار دموکراسی هستند برگزار می‌شود. اما در هر دو سو نیروهای مسلحی هم هستند که بی‌رحمانه علیه یکدیگر می‌جنگند. و این جنگ مکرر به قربانی شدن غیرنظامیان منجر شده است. این غیرقابل قبول است و به حق مورد انتقاد شدید قرار می‌گیرد. از طرفی سیاستمداران سطح بالای اپوزیسیون سوریه به من گفتند که مخالفان مسلح هم برای «تسویه حساب» غیرنظامیان را به قتل می‌رسانند. من در حمص منزل یکی از طرفداران شناخته شده اسد بودم. از ساختمان بلند مقابل به اتاق دختر سه‌ساله او تیراندازی شده بود. من خودم جای گلوله‌ها را دیدم. یک روز بعد از ملاقات با او، تهدید به قتل شد و اجباراً خانه خود را ترک کرد. خودم هم در حمص زیر آتش چریک‌هایی قرار گرفتم که به دو نفر از نیروهای پلیس تیراندازی می‌کردند. درگیری‌هایی شبیه به جنگ داخلی. ما در غرب همیشه از جنایت نیروهای امنیتی می‌شنویم. اما در مورد رفتار جنایت‌آمیز طرف دیگر مطلقاً سکوت می‌شود. خبررسانی بین‌المللی به شدت یک‌طرفه است.

- پس چرا اسد اجازه ورود خبرنگارها را به کشور نمی‌دهد. این‌ها می‌توانستند تصویر عینی‌تری از واقعیات به ما بدهند؟

- این اشتباه بزرگ دولت است. من هیچ‌گاه ارزش خبررسانی آزاد را این‌طور که در سوریه احساس کردم حس نکرده بودم. در حال حاضر مخالفان دارای یک انحصار خبری هستند که آن را به طرز خشنی از طریق الجزیره و العربیه اعمال می‌کنند. به عنوان مثال در حمص چهار مرکز ساتلایت هست که هر عکاسی که با تلفن همراه عکس می‌گیرد می‌تواند در عرض چندثانیه تصاویرش را واگذار کند. و قابل فهم است که از این مراکز استفاده می‌شود. - وضع دسترسی آزادانه به اینترنت چطور است؟

- سوریه در زمینه اینترنت یکی از رشدیافته‌ترین کشورها در میان کشورهای عربی است. در ضمن، این به دستور شخص اسد ممکن شده است. با ورود به یک رستوران بلافاصله می‌توانید به طور رایگان از سرویس وایرلس استفاده کنید. دو هفته پیش این خبر در سطح رسانه‌های بین‌المللی منتشر شد که در سوریه «آیفون» ممنوع شد. من همان زمان با دمشق تماس گرفتم و از یکی از آشنایان جویای صحت و سقم خبر شدم. خندید و گفت: همین الان شما با آیفون من تماس گرفته‌اید. نصف خبرهای مربوط به سوریه بی‌پایه و اساس است.

- می‌توانید مثال‌های دیگری هم نکر کنید؟

- زمانی که دمشق بودم، در رسانه‌های بین‌المللی این خبر پخش شد که به مرکز حزب بعث حمله شده است و به آن آسیب فراوان رسیده، و یک نفر هم کشته شده است. این خبر روی من خیلی تأثیر گذاشت. تا آن روز برای من دمشق یک شهر امن بود که توریست‌ها هنوز در آن بودند. به این خاطر روز بعد خودم را با عجله به محل رساندم. دو پاسپان مؤدب جلوی ساختمان سالم ایستاده بودند. وقتی پرسیدم این «آسیب‌های فراوان» کجا هستند، به من دو شیشه شکسته سالن ورودی را نشان دادند که شخصی در آن یک ترفه انداخته بود. در حمص دیدم که بازارها پر از مواد خوراکی و سبزیجات است. خودم هم چیزهایی خریدم. دوز روز بعد در رسانه‌ها آمده بود: «فاجعه انسانی [حطی] در حمص». کمی پس از شنیدن این خبر برای بار دوم به حمص رفتم و با شورشیان ملاقات کردم. من همیشه با هر دو طرف ملاقات می‌کنم. از آن‌ها در مورد «فاجعه انسانی» پرسیدم. با خنده گفتند: «این را ما ساختیم». و به این عمل خود افتخار می‌کردند. چندروز بعد در حمص موتورسواران جلوی یک اتوبوس را که سرنشینان آن جوانان علوی بودند گرفته و آن‌ها را از فاصله نزدیک با گلوله اعدام کردند. تنها یکی از آن‌ها زنده مانده بود، که می‌گفت مهاجمان از شورشی‌ها بودند. این حمله یک «پیام» به بشار اسد بود که او نیز علوی است. با این همه همان‌روز عصر در اخبار الجزیره گفته شد، دوباره در حمص جوانان سوری به دستور اسد کشته شدند. طرز خبررسانی از سوریه مرا به طرز وحشاکتی به یاد خبررسانی پیش از جنگ عراق می‌اندازد. البته، خبررسانی تلویزیون دولتی

سوریه هم بهتر از این نیست.

- شورشیان از کجا پشتیبانی می‌شوند؟ از سوی کشورهای متخاصمی مانند عربستان و قطر که در ماجرای لیبی هم دخالت داشتند؟ آیا این چالش، چالشی بین مذاهب اسلامی هم هست؟

- من چهار هفته آنجا بودم. با این همه می‌دانم که خیلی چیزها را ندیده‌ام. اما این را دیده‌ام که قیام مخالفان همیشه مسالمت‌آمیز نیست. نیروهایی در خارج هستند که اسلحه‌های سنگین در اختیار آن بخش از شورشیانی می‌گذارند که دست به خشونت می‌زنند. یک سر ماجرا به قطر می‌رسد. این کشور بزرگترین صادرکننده اسلحه به لیبی هم بود. آمریکایی‌ها مستقیماً دخالت نمی‌کنند. مقاومت نظامی توسط کشورهای عربی، پیش از همه عربستان و قطر سازماندهی می‌شود. قطر محل الجزیره هم هست.

- می‌توان از نوعی جنگ نیابتی صحبت کرد؟

- این را نمی‌دانم. من همین‌طور به تئوری‌های توطئه نیز باور ندارم. اما در پس زمینه تلاش آمریکا است که خواهان یک خاورمیانه بزرگ متشکل از کشورهای دوست است. ایالات متحده به کل منطقه مانند منطقه نفوذ خود نگاه می‌کنند. این جمله کیسنجر است که «نفت با ارزش‌تر از آن است که به عرب‌ها واگذار شود».

انقلاب‌های تونس و مصر برای آمریکایی‌ها غیرمترقبه بود. اما آن‌ها تصمیم گرفتند به نفع خود در شکل‌دهی به تغییرات در کشورهای عربی شرکت کنند. علاقه من به دموکراسی آمریکا زیاد است، اما در خاورمیانه دموکراسی برای آمریکایی‌ها مهم نیست. در غیر این صورت بایستی از تظاهرات در عربستان، قطر و بحرین هم حمایت می‌کردند. اما آن‌ها در این کشورها دیکتاتورها را حمایت می‌کنند.

- به نظر شما روند وقایع در سوریه به کجا خواهد رفت؟

- در سوریه هم مانند دیگر کشورهای عربی دموکراسی خواهد آمد. خشونت علیه تظاهرات و تجمعات مسالمت‌آمیز غیرقابل قبول است. اما هنگامی که از اسد پرسیدم چرا، حداقل برای مدتی مشخص، اعمال خشونت علیه شورشیان مسلح کنار گذاشته نمی‌شود، از من پرسید آیا کشورهای غربی هم اجازه می‌دهند روزانه ۲۰ تا ۳۰ نفر از سربازان کشور کشته شوند؟ از من پرسید، آیا آنجا مرکل یک چنین چیزی را می‌پذیرد؟ من جوابی نداشتم. گفتم، با این همه او می‌بایستی که با آن‌ها، حتی با نیروهای تندرو از در گفتگو درآید. فقط از این طریق می‌توان به آتش‌بس رسید. گفتم، او باید با قرار گرفتن در صدر حرکت دموکراسی‌طلبانه، کشور را به صلح و دموکراسی هدایت کند.

- واکنش او چه بود؟

- گفت، مهم‌ترین کار تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک است که مردم در مورد آن تصمیم بگیرند.

- این همه‌پرسی چقدر آزاد خواهد بود؟

- ما باید خواستار اعزام ناظران انتخاباتی بی‌طرف، نظیر فوندیشن جیمی کارتر باشیم. این چالش آن‌قدر پیچیده و خطرناک است که غرب بایستی نه به عنوان آتش‌بیار، بلکه به عنوان میانجی در آن دخالت کند. مذاکره تنها راه حل عقلانی این معضل است.

- آیا ناظران اتحادیه عرب در مأموریت خود شکست خوردند؟

- نه. این عادی‌ست که ناظران به نتایج متفاوتی برسند. من هم از این نقطه حرکت می‌کنم که دولت سوریه نیز به تحمیل دست می‌زند و ناظران را به نقاطی خواهد برد که اوضاع خیلی زشت به نظر نمی‌رسد. اما ناظران از این امکان برخوردارند که با آدم‌های زیادی حرف بزنند. این امکان برای من هم بود. من آدم‌هایی را دیدم که می‌گفتند «اسد باید برود»، و همین‌طور آدم‌هایی که می‌گفتند «من عاشق اسد هستم». بشار اسد به گمان من مسئولیت هر قربانی غیرنظامی را به عهده دارد، همان‌گونه که او بلما نیز مسئول جان هر غیرنظامی‌ای است که توسط حمله هواپیماهای بی‌سرنشین و بمب‌افکن‌های آمریکایی در پاکستان و افغانستان قربانی می‌شوند. تکرار می‌کنم: تنها یک راه حل موجود است و آن مذاکره است.

- غرب مذاکره با اسد را رد می‌کند.

- بارها شنیده‌ام می‌گویند، با کسی که دستش به خون آغشته است نمی‌توان مذاکره کرد. اما من می‌گویم موفق‌ترین مذاکراتی که ما انجام داده‌ایم، مذاکراتی بودند با رهبران کمونیست شوروی. دست آن‌ها به خون میلیون‌ها نفر آغشته بود. ما در مقابل پرزیدنت بوش تعظیم کردیم، یعنی کسی که خون صدها هزار عراقی بی‌گناه به دستان اوست. و ما با عربستان سعودی مذاکره می‌کنیم که در ملاء عام شلاق می‌زند، سنگسار می‌کند و گردن می‌زند. وقتی سیاست‌مدارها می‌گویند با اسد نمی‌شود مذاکره کرد، این حرف ناصادق و فریبکارانه است. مذاکره همیشه از راه‌اندازی جنگ یا جنگ داخلی بهتر است. غرب در سوریه و ایران به یک بازی خطرناک دست زده است. در صورت آغاز جنگی با شرکت غرب در این دو کشور، شاهد بزرگترین چالش نظامی بعد از جنگ دوم جهانی خواهیم بود. آن‌گاه در اروپا هم چراغ‌ها خاموش خواهند شد. ظاهراً این برای بعضی‌ها در غرب روشن نیست.

سوریه/ یک نگاه دیگر ۲

برگردان توسط مانی ب. (این مطلب عیناً از وبلاگ ۴ دیواری نقل شده است)

نوشته زیر آخرین بیانیه «شاخه آلمانی انجمن جهانی پزشکان برای ممانعت از جنگ اتمی» است. این انجمن که در سراسر جهان فعال است، در سال ۱۹۸۵ به خاطر کوشش در جهت رسیدن به جهانی صلح‌آمیز، متناسب با کرامت انسان و خالی از تکنولوژی اتمی جایزه نوبل صلح را دریافت کرده است.

به خشونت در سوریه پایان دهید - از جنگ جلوگیری کنید!

هفته‌هاست که هر روز گزارش‌های بیشتری از بالاگرفتن خشونت‌های سوریه منتشر می‌شود. طبق آمار سازمان ملل تا به حال چندین هزار نفر زندگی خود را از دست داده‌اند. و آن‌طور که از اخبار رسانه‌های بین‌المللی برمی‌آید، هر روز نقشه‌های بیشتری برای دخالت نظامی غرب ریخته می‌شود. دیروز برنده یمنی نوبل صلح خانم «توکل کرمان» در کنفرانس امنیتی مونیخ جهت حفاظت از مردم سوریه در برابر خشونت به حق خواستار اقدامی بین‌المللی شد. در نگرش وی اما این موضوع نادیده گرفته می‌شود که روسیه و چین به هیچ‌وجه مخالفتی با اقدام بین‌المللی ندارند. روسیه توضیح داده بود که با پیش‌نویس قطعنامه علیه سوریه موافقت خواهد کرد، در صورتی که این قطعنامه دخالت نظامی خارجی را مردود دانسته و نه فقط از نیروهای امنیتی سوریه، بلکه از مخالفان نیز بخواهد که از خشونت بپرهیزند. به این خاطر، خلاف آنچه که رسانه‌های ما ارایه می‌کنند، تنها روسیه و چین مسئول شکست قطعنامه شورای امنیت نیستند، بلکه خیلی بیشتر این مسئولیت به عهده غربی‌ها است که چندین هفته مجدانه با پیش‌نویسی با رویکرد صلح‌آمیز مخالفت کردند. ما به عنوان اعضای انجمن جهانی پزشکان نگرانی عمیق خود را از شمار رو به افزایش قربانیان خشونت در سوریه، از جمله تعداد کثیر غیرنظامیان قربانی اعلام می‌کنیم. همین‌طور تعداد زیادی از پزشکان و مسئولین رسیدگی به وضعیت زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان از این خشونت در امان نیستند.

ما اما به عنوان شاخه آلمان IPPNW نسبت به یک خطر بزرگتر نیز هشدار می‌دهیم. و آن خطر دخالت نظامی غرب است که می‌تواند حرکتی را آغاز کند که کشورهای دیگری مانند ایران را نیز دربرگرفته، و نهایتاً کلاً منطقه را - که در همسایگی اروپا قرار دارد - در آتش فروبرد. این حرکت در صورت درگیری مستقیم ناتو می‌تواند به درگیری اتمی بین قدرت‌های بزرگ بینجامد. هر روز نشانه‌های بیشتری به دست می‌آید که چطور در چالش داخلی سوریه، فعالین تندرو با تشدید درگیری‌ها از مبارزه آزادی‌خواهانه برای پیشبرد منافع خود استفاده می‌کنند. آشکار است که فقط دولت سوریه توسط روسیه حمایت تسلیحاتی نمی‌شود. مخالفان نیز از غرب و کشورهای عربی متحد با غرب مبالغه‌هنگفتی دریافت می‌کنند، همین‌طور از طریق پایگاه نظامی ناتو در «اینجریلیک» ترکیه اسلحه در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود. آن‌ها همچنین توسط مزدوران خارجی لیبیلی حمایت می‌شوند.

بسیاری از سوریه‌ها، به‌ویژه اپوزیسیون صلح‌طلب بر این باورند که این درگیری‌ها باعث نابودی جنبش اصلاح‌گرایانه‌ای می‌شود که از سالیان پیش آغاز شده است. نتیجه حاصل از این روند افزایش خونریزی‌های بزرگتر بین نیروهای متعارض می‌گردد که هر روز قربانیان بیشتری از غیرنظامیان می‌گیرد. کسی که تشدید تعارض‌های داخلی سوریه را ابزار موجهی برای یک تغییر رژیم دلخواه غرب در سوریه می‌داند، تا از این طریق جنگ علیه ایران آسان‌تر شده و پایگاه‌های نظامی روسیه در مدیترانه غارت گردد، بایستی اتهام آماده‌سازی یک جنگ نیابتی و در نتیجه شرکت در جنایت علیه بشریت را بپذیرد.

به این دلیل به عنوان اعضای انجمن صلح‌گرای پزشکان خواهسته‌های خود را اعلام می‌کنیم:

به ناتو، و به ویژه به دولت آلمان:

ما از شما می‌خواهیم فوراً جلوی ارسال اسلحه غرب به سوریه را بگیرید! هرگونه طرح و نقشه برای دخالت نظامی غرب در سوریه را به طور شفاف مردود اعلام کنید. تحریم‌های اقتصادی نیز راه حل نیستند. در عوض در جهت ایجاد تفاهم بین نیروهای درگیر بکوشید. و در این راه به ویژه روی روسیه حساب کنید.

به دولت روسیه:

ما از شما می‌خواهیم فوراً پیش‌نویس جدیدی را با رویکرد صلح‌گرایانه از جانب خود به شورای امنیت ارائه کنید که در آن حمایت تسلیحاتی مخالفان و دولت سوریه ممنوع شود. و برای تقویت تلاش‌ها جهت ابداع آلترناتیوهای مسالمت‌جویانه، نظیر گفتگوی بین‌المللی با همه‌ی نیروهای ذی‌نفع بکوشید.

به اتحادیه عرب:

ما از شما می‌خواهیم دوباره مأموریت نظارتی خود را از سر بگیرید. ارسال پیامی به کشورهای عضو منی بر پایان‌دادن به هر نوع فعالیتی که به تشدید خشونت در سوریه می‌انجامد، و جانبداری از هر رویکردی که هدف حل مسالمت‌آمیز بحران را دنبال می‌کند، موفقیت خود را تقویت کنید.

به دولت سوریه:

ما از شما می‌خواهیم با کنار گذاشتن مطالبات حداکثری بی‌نتیجه و پذیرش مذاکره، از راه افتادن حمام خون در کشور خود، در اثر جنگی نیابتی که منافع خارجی‌تور آن را داغ می‌کنند جلوگیری کنید. به تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی کشورتان، و به هرگونه حمله به بیمارستان‌ها، پزشکان و کارکنان خدمات پزشکی پایان دهید.

مسیحیان در سوریه

برگردان توسط مانی ب. (این مطلب عیناً از وبلاگ ۴ دیواری نقل شده است)

نوشته زیر برگردان مصاحبه‌ی [راديو واتیکان](#) با کشیش اعظم مسیحیان پیرو کلیسای کاتولیک یونانی در استان حلب سوریه است. مسیحیان سوریه که ده درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند غالباً پیرو کلیسای ارتدوکس یونانی یا کلیسای کاتولیک یونانی هستند.

سوریه/ نگرانی از آینده

مسیحیان کشیش اعظم مسیحیان حلب ژان کلمنت ژان بارت نسبت به آینده مسیحیان در سوریه اندیشناک است. وی در گفتگویی با راديو واتیکان می‌گوید: «پیش از این امنیت وجود داشت، اما امروز آن دسته از مسیحیانی که توانایی ترک سوریه را دارند، از کشور می‌روند». طبق گزارش راديو واتیکان تا کنون چندین تن از مسیحیان شهر حمص به دست شورشیان به قتل رسیده‌اند. این واقعه به تخلیه چندین ناحیه [مسیحی‌نشین] شهر منجر شده است. اما برخلاف حمص، در حلب اوضاع آرام است. ژان بارت رسانه‌های بین‌المللی را متهم می‌کند که «وضعیت سوریه را صادقانه نشان نمی‌دهند، بلکه نفت در آتش می‌ریزند». آن‌ها در این باره حرفی نمی‌زنند که «تندروها و مزدوران عراقی، اردنی، لیبیایی و پاکستانی از طریق ترکیه در سوریه نفوذ کرده‌اند». تنها گفتگو می‌تواند کشور را از ابتلا به یک فاجعه حفظ کند. البته فرم‌های وعده‌داده‌شده هنوز جامه عمل نپوشیده‌اند و مخالفان گفتگو را نمی‌پذیرند. هراس ژان بارت از این است که در صورت سقوط دولت سوریه اسلام‌گراهای تندرو قدرت را به دست بگیرند. گروه‌های اسلام‌گرا در نقاط مختلف کشور تخم ترور و مرگ می‌کارند. حداقل ۲۰۰۰ غیرنظامی، سرباز و مأمور پلیس قربانی نفرت آن‌ها شده‌اند، که اغلب پیش از مرگ مورد شکنجه قرار گرفته و مثله شده بودند.

ژان بارت می‌گوید: این درست است که اکثریت سوری‌ها، و به همراه آن‌ها مسیحیان سوریه خواهان اصلاحات بنیادین و تغییر نحوه اداره کشور هستند. آن‌ها پیش از هر چیز پایان دیکتاتوری تک‌حزبی و دموکراسی‌ای را می‌خواهند که مبتنی بر آزادی واقعی بوده و حقوق همه افراد را به رسمیت بشناسد. اما این نیز حقیقت دارد که فقط اقلیت کوچکی از سوری‌ها خواهان تغییری هستند که حمام خون به پا کرده و باعث بی‌نظمی در کشور شود.

روسیه و چین در هفته گذشته مانع شدند که شورای امنیت خشونت در سوریه را محکوم کند. سیزده عضو باقی‌مانده به پیش‌نویس قطعنامه تهیه‌شده توسط کشورهای غربی و اتحادیه عرب رأی مثبت دادند. در این پیش‌نویس محکومیت رهبری سوریه به خاطر نقض حقوق بشر در نظر گرفته شده بود. وتوی روسیه و چین در سطح بین‌المللی با انتقادهای شدیدی مواجه شد. کمی پیش از رأی‌گیری در شورای امنیت رژیم سوریه دوباره علیه غیرنظامیان دست به خشونت زد. در نتیجه حمله به حمص حداقل ۳۰۰ نفر کشته شدند.